

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

مختم آقای محمد مهدی زاده
در تاریخ ۹۶،۳،۱۹
رساله دکتری ۱۸
واحدی خود را با عنوان تاثیر سبب علیا در
استدلال شامی
ارائه کردند.
اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا تایید کرده است و پذیرش آنرا برای
تکمیل درجه دکتری تخصصی پیشنهاد می کنند

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	اعضاء
۱- استاد راهنمای اصلی	علی محمد زاده	دانشیار	
۲- استاد راهنمای دوم			
۳- استاد مشاور اول	هانم تارما	استادیار	
۴- استاد مشاور دوم	حسین علی قبادی	دانشیار	
۵- استاد ناظر	مصطفی نجفی	دانشیار	
۶- استاد ناظر	ابوالفضل باهنر	استادیار	
۷- استاد ناظر	حسن ذوالقدر	استادیار	
۸- استاد ناظر	کلی صادقی	دانشیار	
۹- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی	جلیل داری	استادیار	

آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عنوان پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب محمدکمالی‌زاده دانشجوی رشته علوم سیاسی ورودی سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ مقطع دکتری دانشکده علوم انسانی متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:
تاریخ: ۱۳۹۱/۲/۱۹

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته _____ است که در سال _____ در _____ دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر _____، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر _____ و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر _____ از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب محمد کمالی زاده دانشجوی رشته علوم سیاسی مقطع دکتری تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: محمد کمالی زاده

تاریخ و امضا: ۱۳۹۱/۲/۱۹



دانشکده علوم انسانی

رساله دکتری رشته علوم سیاسی (گرایش اندیشه‌های سیاسی)

عنوان رساله:

تضمینات سیاسی سمبولیسم اجتماعی در اشعار نیما یوشیج و احمد شاملو

محمد کمالی زاده

استاد راهنما:

دکتر عباس منوچهری

استادان مشاور:

دکتر حاتم قادری

دکتر حسینعلی قبادی

اردیبهشت ۱۳۹۱

تقدیر و تشکر

دوران تحصیل در دانشگاه تربیت مدرس و درک محضر استادان گرانقدری نظیر جناب آقای دکتر منوچهری، دکتر قادری، دکتر یونسی و دکتر بهشتی برای بنده فرصت مغتنمی بود تا بتوانم دوران دانشجویی موفق را در این دانشگاه سپری کنم. بدینوسیله بر خود لازم می‌دانم تا مراتب امتنان و سپاسگذاری خود را به محضر این استادان گرانقدر تقدیم کنم.

نگارش این رساله مدیون راهنمایی‌های استادان گرانقدر جناب آقای دکتر منوچهری در مقام استاد راهنما و آقایان دکتر قادری و دکتر قبادی در مقام استادان مشاور بوده است، از این استادان گرانقدر به خاطر تمام زحماتی که به منظور پیشبرد این رساله متحمل شدند سپاسگذارم.

در تمام مراحل تحصیل از حمایت و دلگرمی بی‌دریغ تمامی اعضای خانواده برخوردار بوده‌ام و از این رو بر خود لازم می‌دانم که از زحمات و حمایت‌های بی‌کران آنها مخصوصاً پدرم، مادرم و همسر عزیزم سپاسگذاری و قدردانی کنم.

چکیده

این رساله از زاویه اندیشه سیاسی بدنبال بررسی نسبت میان شعر به عنوان یکی از مهمترین وجوه فرهنگ و اندیشه ایرانی با اندیشه سیاسی است. در این رساله تامل در امر هنجارین و جستجوی سامان نیک (ترسیم وضع هنجاری در قالب ادبی) به عنوان مهمترین تضمن سیاسی اشعار نیما و شاملو مورد تاکید قرار گرفته و نشان داده می شود که دلالت‌های هنجاری در اشعار نیما و شاملو، بیش از هر چیز متأثر از جهان‌بینی حاکم بر ذهن و زبان ایشان است.

رویکرد «سمبولیسم» برای نیما و شاملو همانند نمایندگان اروپایی این مکتب، فرصتی بود تا بتوانند تمام آراء خویش را در قالب نوعی تفکر آرمانشهری سامان دهند. در این رویکرد شاهدیم که چگونه شاعر سمبولیست به جای تحلیل آرمانشهر خود بدنبال ترسیم تصویری کلی و خیالی از آن و القاء این تصویر به خواننده است.

با بهره گیری از رویکردهای اسکینر و اسپریگنز نشان داده می شود که چگونه درک شاعرانه نیما و شاملو که رسالت پیامبری شاعر و بازتولید ذهنیت و تفکر اسطوره‌ای و آرمانشهری از مهمترین شاخصه‌های آن است، به پیوند میان شاعر و شعر او با گفتمان حاکم بر روشنفکری و ایدئولوژی‌های زمانه از یکسو و گسست شاعر و شعر او از جامعه و توده‌ها، از سوی دیگر، منتهی می شود. اصالت واقعیت عینی جای خود را به اصالت تخیل و واقعیت ذهنی - که بر آمده از ذهنیت حاکم بر ایدئولوژی زمانه است - می‌دهد و بدنبال آن، وضعیت بدیل و آرمانی نیز در اشعار ایشان در قالب نوعی تفکر آرمانشهری متأثر از ایدئولوژی‌های زمانه به تصویر کشیده می‌شود.

کلمات کلیدی:

تضمینات سیاسی، اندیشه سیاسی، سمبولیسم اجتماعی، نیما یوشیج، احمد شاملو

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول: کلیات و روش تحقیق.....
۲.....	۱-۱ طرح مسأله و اهمیت آن.....
۷.....	۲-۱ سئوال تحقیق.....
۷.....	۳-۱ فرضیه.....
۷.....	۴-۱ اهداف پژوهش.....
۸.....	۵-۱ مروری بر سابقه پژوهش و ادبیات موضوع.....
۱۲.....	۶-۱ مبانی نظری.....
۱۲.....	۱-۶-۱ برخی از رویکردها در باب دلالت‌های سیاسی در شعر.....
۱۴.....	۲-۶-۱ شعر و اندیشه سیاسی.....
۲۱.....	۳-۶-۱ «شعر سیاسی» در نقد ادبی.....
۲۵.....	۴-۶-۱ ادبیات و جامعه.....
۳۳.....	۷-۱ روش تحقیق.....
۴۱.....	فصل دوم: «سمبولیسم» و تضمینات سیاسی آن.....
۴۲.....	۱-۲ مقدمه.....
۴۴.....	۲-۲ مبانی و ارکان شعر سمبولیستی.....
۴۴.....	۱-۲-۲ رازورزی و رازگویی.....
۴۷.....	۲-۲-۲ تخیل‌گرایی و طرد واقعیت.....
۵۰.....	۳-۲-۲ زبان سخت و مبهم.....
۵۲.....	۳-۲ سمبولیسم فرارونده: پیوند تخیل و آرمان‌گرایی.....
۵۵.....	۱-۳-۲ سمبولیسم فرارونده در اشعار مهمترین نمایندگان آن: «بودلر»، «رمبو» و «مالارمه».....

۴-۲	سمبولیست‌ها و ایدئولوژی‌گرایی سیاسی	۵۹
۵-۲	سمبولیسم و اندیشه آرمانشهری	۶۴
۶-۲	سمبولیسم و اسطوره اندیشی	۷۲
۱-۶-۲	چیستی اسطوره	۷۲
۲-۶-۲	اسطوره در مقام ذهنیت و تفکر	۷۶
۳-۶-۲	اسطوره و ادبیات	۸۰
۴-۶-۲	اسطوره و سیاست	۸۲
۷-۲	سمبولیسم در سنت ادبی ایران	۸۸
۱-۲-۷	نیما و سمبولیسم	۹۲
۸-۲	جمع بندی	۱۰۲
فصل سوم: تضمینات سیاسی سمبولیسم اجتماعی در اشعار نیما یوشیج		
۱-۳	مقدمه	۱۰۹
۲-۳	مروری بر زندگی نیما	۱۱۰
۳-۳	نیما و زمانه سیاسی (بافت متنی (زبانی - ایدئولوژیک) شعر نیمایی)	۱۱۸
۱-۳-۳	نیما و جریانهای روشنفکری زمانه	۱۱۹
۲-۳-۳	«وضعیت موجود» و «راه‌حل» از نگاه نیما	۱۲۲
۴-۳	نیما و تفکر آرمانشهری	۱۴۴
۱-۴-۳	جهان آرمانی در اشعار نیما	۱۴۶
۵-۳	نیما و رسالت پیامبری	۱۷۰
۱-۵-۳	نیما و جایگاه شاعر	۱۷۱
۶-۳	نیما و تفکر اسطوره‌ای	۱۹۴
۷-۳	جمع بندی	۲۰۲

۲۰۴	فصل چهارم: تضمینات سیاسی سمبولیسم اجتماعی در اشعار احمد شاملو
۲۰۵	۱-۴ مقدمه
۲۰۶	۲-۴ مروری بر زندگی شاملو
۲۱۲	۳-۴ شاملو و زمانه سیاسی (یافت متنی (زبانی - ایدئولوژیک) شعر شاملو)
۲۱۳	۱-۳-۴ دوره اول: در مقام یک کنشگر حزبی/سیاسی
۲۱۶	۲-۳-۴ «وضعیت موجود» و «راه حل» از نگاه شاملو
۲۱۸	۳-۳-۴ دوره دوم: در مقام یک روشنفکر/ پیامبر
۲۲۶	۴-۳-۴ «وضعیت موجود» و «راه حل» از نگاه شاملو
۲۲۹	۵-۳-۴ دوره سوم: در مقام یک روشنفکر/چریک
۲۳۸	۶-۳-۴ «راه حل» از نگاه شاملو
۲۴۷	۷-۳-۴ دوره چهارم: بازگشت به روشنفکری متعهد
۲۶۰	۴-۴ شاملو و تفکر آرمانشهری
۲۶۰	۱-۴-۴ نگاه شاملو به وضع نابسامان موجود
۲۷۱	۲-۴-۲ ترسیم وضع آرمانی در شعر شاملو
۲۷۶	۵-۴ شاملو و رسالت پیامبری
۲۷۷	۱-۵-۴ شاملو و جایگاه شاعر
۲۹۵	۶-۴ شاملو و تفکر اسطوره‌ای
۳۱۰	۷-۴ جمع بندی
۳۱۲	فصل پنجم: نتیجه گیری
۳۱۳	۱-۵ مقدمه
۳۱۵	۲-۵ روشنفکر ایرانی در جستجوی آرمانشهر
۳۲۱	۳-۵ بازخوانی فرضیه و نتایج رساله

۳۲۴..... ۴-۵ مقایسه تطبیقی آراء نیما و شاملو

۳۲۹..... ۵-۵ خاتمه

۳۳۱..... فهرست منابع و مآخذ

۳۴۰..... چکیده انگلیسی

فصل اول

کلیات و روش تحقیق

۱-۱ طرح مسأله و اهمیت آن

شعر پیوندی دیرپای با تاریخ و تمدن ما دارد بگونه‌ایکه برخی شعر را مهمترین و عالی‌ترین رسانه فرهنگی ما می‌دانند و در چرایی چنین امری، پاسخ را به‌گزینش ناخودآگاه طبع ما حواله می‌دهند، طبعی که در درازنای تاریخ شکل گرفته و پرورش یافته است. (آشوری، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۰) علاوه بر این، از گذشته تا امروز شاعران برای ایرانیان نه تنها عالیترین مرجع زیبایی‌زبان و هنر، که عالیترین مرجع اندیشه، و بیانگر حکمت عملی و نظری زندگی نیز بوده‌اند. (همان: ۱۸۴) با نگاهی به شعر معاصر ایران از مشروطه تاکنون پی می‌بریم که شعر معاصر ما یکی از پیشروترین عرصه‌های نواندیشی و نودهنی معاصر ما نیز بوده است. همچنانکه از لحاظ هماهنگی با نواهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی نیز از موقعیت ممتازی برخوردار بوده بگونه‌ایکه اغلب شاعران برجسته ما، خود از پیشروان نقد و نظر بوده‌اند. (مختاری، ۱۳۷۸: ۱۴) شعر معاصر ایران همواره یکی از مهمترین نحله‌های ادبیات اجتماعی و سیاسی نیز بوده‌است که در میان آنها از شعر نیما و شاملو به عنوان برجسته‌ترین جریان‌های این نوع شعر نام برده می‌شود.

در جریان‌شناسی شعر معاصر، سبک شعری نیما و شاملو «سمبولیسم اجتماعی» نامیده شده است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۵۵ و ۵۶) سمبولیسم یا نمادگرایی مکتبی ادبی - هنری است؛ که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در اروپا و آمریکا رواج یافت. این مکتب نیز همانند سایر مکاتب ادبی اروپایی، کمابیش بر روند تحولات و تطورات ادبی سایر ملل نیز تاثیراتی را به جای گذاشت. در این میان شعر و ادب فارسی نیز از حوزه

نفوذ و تاثیر این مکتب به دور نمانده است، تا آنجا که از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، یکی از خاستگاهها و سرچشمه‌های مهم جریان شعری سمبولیسم اجتماعی فارسی، مکتب سمبولیسم اروپایی قلمداد شده است. به عقیده سمبولیست‌ها جهان سراسر رمز و راز است و مردم عادی از درک این دنیای مرموز عاجزند و تنها شاعران می‌توانند این اسرار را درک نمایند. از نظر آنها شاعر پیامبری است؛ که می‌تواند درون یا ورای دنیای واقعی ببیند و از آنجا که این عوالم توصیف ناپذیرند، شاعر سمبولیست می‌کوشد با استفاده از زبانی نمادین دنیای ناشناخته را به مخاطب بشناساند.

بارزترین ویژگی سمبولیست‌ها، درون‌گرایی شدید و قطع ارتباط آنها با جهان بیرون بود. به باور آنها عرصه شعر از آنجا شروع می‌شود که با واقعیت قطع رابطه شود. درون‌گرایی و اعتقاد آنها به جهان ماوراء و تأکید بر تخیل و کشف و شهود سبب شد که شعر آنها از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار شود و گاهی درک معنای آن به راحتی امکانپذیر نباشد. با توجه به همین ویژگی‌ها، فضای آثار سمبولیستی غالباً مه‌آلود و وهم‌انگیز بود.

در ایران معاصر، سمبولیسم با نیما یوشیج و بعد از شعر «افسانه» وارد شعر فارسی می‌شود. دستیابی نیما به این شیوه بیانی نیز، در نتیجه آشنایی و آگاهی او از زبان و ادب فرانسه بوده است. پس از نیما، احمد شاملو را می‌توان بزرگترین چهره شاخص این جریان دانست که علیرغم وجود تفاوت‌هایی، در تداوم مسیر نیما گام بر می‌دارد. از دید منتقدان ادبی، جریان سمبولیسم اجتماعی «نوعی شعر نیمایی است با محتوای اجتماعی و فلسفی و روشن‌بینانه؛ شعری که هدف آن بالا بردن ادراک و بینش هنری و اجتماعی است و غالباً پیامی اجتماعی و انسانی در آن بازگو می‌شود...؛ شعری که هم با احساس خواننده سر و کار دارد و هم با ادراک و اندیشه او در تماس است و می‌خواهد خواننده چشم و گوش خود را باز کند و همه چیز را ببیند و حس کند. از این رو مساله فرد از میان می‌رود و هر چه هست اجتماعی است.» (زرین‌کوب، ۱۳۵۸: ۱۲۴ و ۱۲۳) به اعتقاد «سیروس شمیسا» جامعه‌گرایی و نمادگرایی دو ویژگی اساسی اشعار در این جریان است:

شاعران این جریان با زبانی سمبلیک و تأویل بردار، مسایل سیاسی- اجتماعی زمانه خویش را در شعر منعکس می کنند. شعر در این جریان، شعری است متعهدانه و ملتزم. همچنین ویژگی مهم دیگر این جریان، متفکرانه و اندیشمندانه بودن اشعار است؛ چرا که در این جریان، در کنار دو عنصر عاطفه و تخیل، بر اندیشه و تفکر نیز تأکید بسیار می شود. به کارگیری زبان و واژگان و شیوه بیان حماسی نیز از ویژگیهای دیگر این جریان شعری است. (شمیسا و حسین پور، ۱۳۸۰)

«مرغ آمین» نیما از اولین نمونه های شعر سیاسی است، که در چنین قالبی سروده شده است. در این شعر پرنده نشان آگاهی و پیروزی خلق است که با لحن دردمند خود، با مردم سخن می گوید و آنها را تا سپیده دم سحر همراهی می کند. بیشتر استعاره ها، کنایه ها و رمزهایی که شاعران، سالهای بعد از آنها بهره گرفتند در این شعر دیده می شود: مرغ؛ مظهر آزادی، بیدادخانه؛ شب دلتنگ، آتش و خاکستر؛ صبح، زنجیر و بیابان، خروس و سحر. (مسکوب، ۱۳۷۱: ۱۶۳) به طور کلی می توان گفت که شعر نیما، شعری است سمبلیک و نمادین و فهم دقیق و درست شعر او بسته به درک و دریافت زبان و بیان سمبلیک است. نیما با چنین زبان و بیانی مسایل سیاسی و اجتماعی زمان خویش را بازگو می کند و به نقد می کشد. (حسین پورچافی، ۱۳۸۴: ۲۳۷ - ۲۳۹)

در خصوص شاملو نیز همت گماردن او بر سرودن شعر سپید و تثبیت آن را می توان نشانه ای از علایق و تعهدات اجتماعی او دانست. پورنامداریان معتقد است: «زمینه اصلی شعر شاملو را عواطف ناشی از تاثرات اجتماعی رقم می زند. شاملو در قلب معرکه زندگی حضور دائم دارد و به همین جهت نبض شعرهای او با نبض اجتماع می زند و شعر او صدای ضربه های یک زندگی اجتماعی و یک درگیری وسیع با رویدادهاست.» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۸۳) عبدالعلی دستغیب نیز تعهد اجتماعی شاملو را مورد اهمیت قرار داده و این تعهد را ناظر به آگاهی بخشی نسبت به عناصر تخریبگر و مبارزه با آنها می داند. از دیدگاه او، شاملو شاعر تصویرگرای اجتماعی است. در تصویرهای او موقعیت انسان امروز- اینجا و اکنون- جامعه ما منعکس شده است. (دستغیب، ۱۳۷۳: ۱۱۵) «ضیاء موحد» بر مبنای چنین عقایدی شاملو را «یک شاعر سیاسی اومانیست آزادیخواه مخالف استبداد و ظلم و ستم» معرفی

می‌کند. (موحد، ۱۳۷۹) برخی دیگر از منتقدین ادبی نیز معتقدند او شاعری اجتماعی و سیاسی است تا آنجا که حتی شعر برایش ابزاری است جهت مبارزه سیاسی. فریادی که بتواند راه رهایی را نشان دهد. (جمالی، نامه کانون: ۲۱۶)

اما سمبولیسم هم همانند سایر نظام‌های زیبایی‌شناختی و نیز همانند سایر ساختارها و بافتهای ذهنی و موقعیتی علاوه بر آنکه می‌تواند مولد نگاهی خاص به جهان باشد، می‌تواند نتایج و تضمینات سیاسی متفاوتی را نیز به همراه داشته باشد. منظور ما از تضمینات، اشاره به رابطه‌ای خاصی میان دال و مدلول است که جایگاه مشخصی نیز در نظریه‌های ادبی دارد. در *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر* برای تبیین این رابطه به تفاوت میان دیدگاه سوسور و سایر نظریه‌پردازان پیرامون مفهوم نشانه و رابطه دال و مدلول اشاره می‌شود.

«فردینان دوسوسور» در دوره *زبان‌شناسی عمومی* معتقد است که نشانه ترکیبی از صورت و مفهوم، یا دال و مدلول است که با هم عمل می‌کنند. همچون دو سوی یک صفحه کاغذ، این دو از هم جدانشدنی هستند، و معناها (مدلول‌ها) با ظرافت به صداها (دال‌ها) پیوند خورده‌اند. چون سوسور به دلیل اهداف تحلیلی‌اش، زبان را نظامی بسته و ثابت می‌انگارد، این نشانه‌ها نیز ثابت تلقی می‌شوند و می‌توان آنها را از طریق دال‌ها و معناها متمایز، به طور علمی بررسی کرد. سایر ساختارگرایان آن دوران نیز با سوسور موافق بودند، اما یاکوبسن نشان داد که برخی دال‌ها با بقیه تفاوت دارند؛ در این دال‌ها، معنا به بافت وابسته است و از این رو، نمی‌توان به آن عینیت بخشید. در این موارد برای اینکه بتوانیم مرجع را بشناسیم باید چیزهایی درباره موقعیت و اشخاص هم بدانیم. معنای دال را به‌ندرت می‌توان فارغ از بافت فرهنگی خاص یا نظامی از روابط گفتاری و نوشتاری فهمید. معنای این دال‌ها به موقعیت‌های خاص گفتمانی وابسته است و نمی‌توان به آنها معناهای تام و تمامی نسبت داد. از یک نظر همه این دال‌ها شناور هستند، زیرا هیچ نشانه‌ای، به لحاظ در زمانی یا هم زمانی، ثابت نمی‌ماند. وقتی فرهنگ‌ها تغییر می‌کنند، ارزشهای منسوب به دال‌ها نیز دگرگون می‌شوند. در چارچوب یک

فرهنگ معین، هیچ نشانه‌ای بر تنها یک چیز دلالت نمی‌کند، و دلالت ضمنی آن وابسته به بافت است. (مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۱۸)

هنگامیکه از دلالت صریح سخن می‌گوییم واژه‌ها را صرفاً نامهایی برای پدیده‌های جهان می‌دانیم. در این چارچوب، به تعبیر گونتر کرس، زبان پدیده‌ای ایستا است و رابطه میان کلمات و مصادیق آنها ثابت فرض می‌شود. دلالت صریح پدیده‌ای است مبتنی بر نامگذاری محض که از هرگونه تاثیر موقعیتی و فرهنگی رهاست... اما دلالت ضمنی معنای مرتبه دومی است که از بافت کاربردی واژه حاصل می‌شود، کارکردی استعاره‌ای دارد و اغلب واجد بار عاطفی، موقعیتی، اجتماعی و فرهنگی است. مثلاً «خانه که دلالت صریح آن «محل سکونت» است، برای بسیاری از مردم دلالت ضمنی «کانون خانواده» و «گرما» را دارد؛ یا «شب» در ادبیات سیاسی دلالتی ضمنی بر «خفقان» و «دیکتاتوری» دارد. (همان، ۱۲۷)

از سوی دیگر، در جهان مدرن، تا زمانیکه انواع نگرش‌های رومانتیک-سمبولیستی بر قلمرو شعر مستولی بود، گرایش به سمت نظریات سیاسی افراطی به چشم می‌خورد، نظراتی که در بیشتر موارد ارتجاعی و محافظه‌کار بودند تا مترقی. از سوی دیگر در پیش‌فرض نگرش‌های رمانتیک-سمبولیست درجه بالایی از انزوا و بیگانگی از جامعه وجود دارد، زیرا در بطن زیبایی‌شناسی هر شاعر متعلق به سنت رومانتیک-سمبولیست نوعی دین خصوصی نهفته است، نوعی دین شاعرانه که با الزامات جهان همگانی و زندگی عمومی ناسازگار است. در این مقطع او باید آماده بیرون رفتن از خود باشد تا بتواند دیگران را در میانه راه ملاقات کند و دریابد که در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، ارزشهای مبتنی بر تخیل خلاق نمی‌توانند بدون دامن زدن به نزاع چندین تخیل خود آیین، اموری مطلق تلقی شوند. اگر شاعر مدرن نتواند چنین سازگاری و تطبیقی ایجاد کند، با عقاید و گرایش‌های سیاسی مطلق‌گرا هم‌راستا خواهد شد و وسواس جنون‌آمیز آنها در مورد یک امر خاص را با پایبندی و تعهدی نظیر تعهد درونی خویش اشتباه خواهد گرفت. منتقدانی نظیر میکائیل هامبورگر، شیفتگی بسیاری از شاعران سمبولیست به ایدئولوژی‌های نظیر مارکسیسم و فاشیسم را در همین راستا تحلیل می‌کنند. (ارغنون،

۱۳۸۶) تجارب تاریخی همچنین نشان داده اند که نفس عصیان و تلاطم آمیخته با خشونت برای تخیل شاعران رومانیک- سمبولیست، صرفنظر از تمایلات سیاسی آنان عاملی محرک و به غایت جذاب بوده است.

با توجه به آنچه گفته شد، سمبولیسم اجتماعی در اشعار نیما و شاملو نیز در راستای تعریفی که از شعر به مثابه ابزار آگاهی و رهایی ارائه می دهند می تواند دارای تضمینات فکری و عملی در حوزه اندیشه سیاسی باشد. پرسش از این تضمینات در رابطه‌ای که با عالم واقع و قلمرو اجتماعی پیدا می کنند، مساله اصلی ما در این پژوهش خواهد بود.

۱-۲ سؤال تحقیق

تضمینات سیاسی سمبولیسم اجتماعی در اشعار نیما و شاملو چیست؟

۱-۳ فرضیه

سمبولیسم اجتماعی در اشعار نیما و شاملو متضمن گسست از واقعیت موجود و آفرینش جهانی آرمانی و فرا-واقعی و القاء آن به مخاطب بوده و از این رو دلالت‌های سیاسی در شعر ایشان بیش از آنکه معطوف به شرایط عینی و ساخت اجتماعی باشد، نوعی تجرید ذهنی بوده است.

۱-۴ اهداف پژوهش

این پژوهش از زاویه‌ی اندیشه سیاسی بدنبال دانش‌افزایی درباره نسبت میان شعر به عنوان یکی از مهمترین وجوه فرهنگ و اندیشه ایرانی با اندیشه سیاسی است. برای تحقق این دانش‌افزایی، بررسی تاثیر سبک‌های خاص شعری و ساختارهای ذهنی و فرافردی بر ایجاد نگرشی خاص نسبت به جامعه، توصیف و تحلیل اشعار نیما و شاملو از زاویه اندیشه سیاسی، نسبت ادبیات و سیاست در ایران معاصر و جستجوی اندیشه‌های سیاسی نیما و شاملو و تاثیر این اندیشه‌ها بر مخاطب از جمله اهداف ما در این پژوهش خواهند بود.

۱-۵ مروری بر سابقه پژوهش و ادبیات موضوع

در زمینه بررسی اشعار نیما و شاملو از زاویه نقد ادبی تاکنون، کتابها، مقالات و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که به علت کثرت عناوین و عدم ارتباط مستقیم آنها با موضوع مورد پژوهش ما، ذکر آنها در اینجا ضرورتی ندارد.

در زمینه رابطه ادبیات و شعر با اندیشه سیاسی به طور عام و شعر نیما و شاملو به طور خاص، به کتاب مشخصی نمی‌توان اشاره نمود، تنها تعداد بسیار معدودی مقاله در زمینه ادبیات و شعر سیاسی وجود دارند که در اکثر آنها وجود برخی مضامین سیاسی و اعتراضی در یک اثر ادبی نشانه‌ای از پیوند سیاست و ادبیات تعبیر شده‌است. از میان آنها می‌توان به مقالاتی نظیر «ادبیات سیاسی و سیاست ادبیات» نوشته میرزا آقا عسگری، اشاره داشت که نویسنده در آن ضمن اذعان به اینکه نمی‌توان به وجود ادبیاتی فارغ از سیاست اندیشید، به بیان تمایزات میان سیاست و ادبیات پرداخته و ادبیات سیاسی و ادبیات واقعی را دو ژانر کاملاً متفاوت نامیده و به دفاع از ادبیات واقعی که مبتنی بر ضمیر پنهان و حامل شخصی‌ترین وجوه جان و ذهن شاعر است پرداخته است. مقاله «پیوند ادب و سیاست/در آمدی بر تبارشناسی شعر سیاسی و اجتماعی» نوشته محمد قراگزلو، مقاله دیگری است که در آن چستی ارتباط شاعران با مناسبات سیاسی و سازوکارهای اجتماعی حاکم بر حاکمیت زمانه و چند و چون رابطه‌ی شاعران با حکومت از یک سو و رابطه‌ی حاکمان با مردم از سوی دیگر در طول تاریخ ادبیات ایران به چالش کشیده شده است.

همچنین دو مقاله با عناوین، «می‌اندیشم پس نقد می‌کنم، سیر تفکر انتقادی در هنر و ادبیات» اثر پریس تنظیمی که بررسی کوتاهی در سیر تاریخی تفکر انتقادی در هنر و ادبیات به طور عام به شمار می‌رود و نیز «گفتمان انتقادی- سیاسی در شعر اخوان ثالث» اثر وحید امانی، که بررسی برخی سویه‌های سیاسی شعر اخوان را محل تامل قرار داده است، در اینجا قابل ذکر هستند. به عنوان یکی از مهمترین مقالات مرتبط با شعر سیاسی می‌توان به «مبادی و مبانی شعر سیاسی» نوشته علی رضا قلی اشاره کرد. نویسنده در این مقاله با رویکردی

جامعه‌شناختی، به بررسی نسبت شعر شاعران گذشته با نظامهای معرفتی آن دوران‌ها پرداخته و با تقسیم اشعار سیاسی به دو نوع درجه اول و درجه دوم، شعر سیاسی درجه اول (اشعار حماسی و اعتراضی) را در حالی ایجابی دارای دلالت‌های اعتراضی به قدرت حاکم و شعر سیاسی درجه دوم (اشعار عرفانی) را در تقابل با نوع اول و در جهت خنثی‌سازی مبادی معرفتی و جامعه‌شناختی آن می‌داند.

مقاله «جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر ایران» نوشته سیروس شمیسا و علی حسین‌پور، مقاله دیگری است که با تعریف سمبولیسم اجتماعی بدنبال باز تعریف تعهدات اجتماعی شاعرانی چون نیما، شاملو، فروغ و ... در این مکتب ادبی است. «نیما و دنیای آرمانی سمبولیست‌ها» نوشته رضا صادقی شهپر مقاله‌ای است در بررسی منظومه «مانلی» نیما که در آن به چگونگی نگرش شاعر در این منظومه نسبت به جهان واقعیت و اعتقاد به جهان آرمانی و فرا واقعی، اشاره شده و علت آن در سمبولیسم شعری نیما جستجو شده است. مقاله «همسایه در شعر نیمایی؛ بحثی در نشانه‌شناسی ایدئولوژی شعر امروز» نوشته خدامراد فولادی مقاله دیگری درباره وجوه سیاسی شعر نیما است که در آن نویسنده با بررسی برخی از اشعار او به تاثیر پذیری او از ایدئولوژی مارکسیستی اشاره می‌کند. «جستاری درباب اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در شعر معاصر پارسی» نوشته دکتر محبوبه مباشری و نیز «اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی در شعر معاصر» نوشته دکتر عبدالله نصرتی از جمله مقالاتی هستند که به بررسی مضامین سیاسی و اجتماعی در شعر معاصر ایران پرداخته‌اند.

در زمینه مقاله همچنین می‌توان به چند مقاله با عناوین «انسان در شعر شاملو، از جبر تا رهایی» نوشته رضا قنبری، «احمد شاملو، شاعر عشق و آزادی» نوشته عبدالعلی دستغیب، «هم کنشی آزادی مثبت و آزادی منفی در شعر شاملو» نوشته فریبرز رییس دانا، «مولفه‌های انسان و عشق در شعر شاملو» نوشته محمود معتقدی، «شاعر ایدئولوژی و آرمان» نوشته محمد هاشم اکبریانی، «وحدت مفاهیم ناسازگار در شعر» "حضور قاطع اعجاز" نوشته جواد اسدیان و نیز مقاله «نگاهی به برخی زمینه‌ها و وجوه نیست انگاری (نیهیلیسم) در شعر احمد شاملو» نوشته مهدی فاموری نیز اشاره نمود. در اکثر این مقالات معیارهایی از قبیل «سنت ستیزی»،